

# رادیوی آن سال‌ها...

گفت‌وگو با امیر نوری،

گوینده پیشکسوت رادیو

گفت‌وگو از: رضا مختاری اصفهانی

## اشاره

امیر (غلام‌علی) نوری، گوینده پیشکسوت رادیو، برای علاقه‌مندان شعر و موسیقی رادیو نامی آشناست. اطلاعات و خاطرات وی برای آگاهی از تاریخ رادیو و تحولات آن ذی‌قیمت است. با او در این باره به گفت‌وگو نشستیم.

حتی گاهی از آنها تقلید می‌کردم. از همین رو در تابستان ۱۳۳۸، با آگهی رادیو زاهدان به آنجا رفتم. اداره رادیو در خانه‌ای در یک کوچه بود؛ خانه‌ای با یک‌سری اتاق و یک حیاط. استودیو پخش آن طرف حیاط و قسمت‌های اداری و برنامه‌نویسی هم در جلوی حیات بود. در اتاقی دستگاه پرتابل گذاشته بودند که صدای مرا در آنجا ضبط کردند. آقای داود فخر، رئیس رادیو، در همان زمان رسید و صدای مرا پسندید و گفت از همین آن می‌توانی کار کنی.

## چه برنامه‌هایی اجرا می‌کردید؟

برنامه‌های اجتماعی مانند برنامه خانواده را اجرا می‌کردم. بعد از ده پانزده روز یا یک ماه، برنامه‌ای به نام **گفتنی‌ها در رادیو تهران** توسط مرحوم مستجاب‌الدعوه اجرا می‌شد. مطالب این برنامه به صورت نقدهای

## آقای نوری، در ابتدا از آغاز فعالیت‌تان در رادیو بگویید.

پدرم کارمند دولت بود، از همین رو در سال ۱۳۳۷ به زاهدان منتقل شد. من در آن سال به جهت امتحانات دیپلم در تهران ماندم. بعد از آنکه امتحانات آخر سال را دادم، به زاهدان رفتم. در آن زمان رادیو زاهدان افتتاح شده بود. این رادیو در سال ۱۳۳۸ برای استخدام گوینده و عوامل دیگر آگهی داد. لازم به ذکر است که من در طول سال‌های دبیرستان در جشن‌های مدرسه به عنوان مجری و گرداننده فعالیت می‌کردم. شعر می‌گفتم و می‌نوشتیم. ادبیاتم خوب بود. معلم‌ها در سر کلاس سعی می‌کردند درس‌ها را من بخوانم. خودم حس می‌کردم صدایم یک معیاری دارد و گاهی آن را با صدای گوینده‌های رادیو مقایسه می‌کردم.

در این جهت و تصحیح رفتارهای اجتماعی بود. به روز شدن رفتارها مطرح بود. اشاعه فرهنگ عمومی، ایرانی بودن و افتخار به ایرانی بودن مدنظر بود. بعدها فهمیدم که قسمتی از مردم بلوچستان در آن زمان ادعای خودمختاری داشتند، بالطبع در این مسیر حرکت می کردیم. اما یادم نمی آید که به صراحت به من گفته شود در چه مسیری بنویسم.

### ● موسیقی محلی چه جایگاهی داشت؟

■ هم موسیقی محلی و هم موسیقی اصیل ایرانی استفاده می کردیم. از تهران برنامه های موسیقی را در یکشنبه شبها رله می کردیم. شبها ساعت ۶/۳۰ تا ۷ موسیقی ایرانی را از رادیو رله می کردیم. موسیقی محلی هم به فراوانی استفاده می شد. نوازندگان و خوانندگان محلی را به رادیو زاهدان می آوردند.

### ● باز خورد برنامه ها در میان مردم زاهدان چگونه بود؟

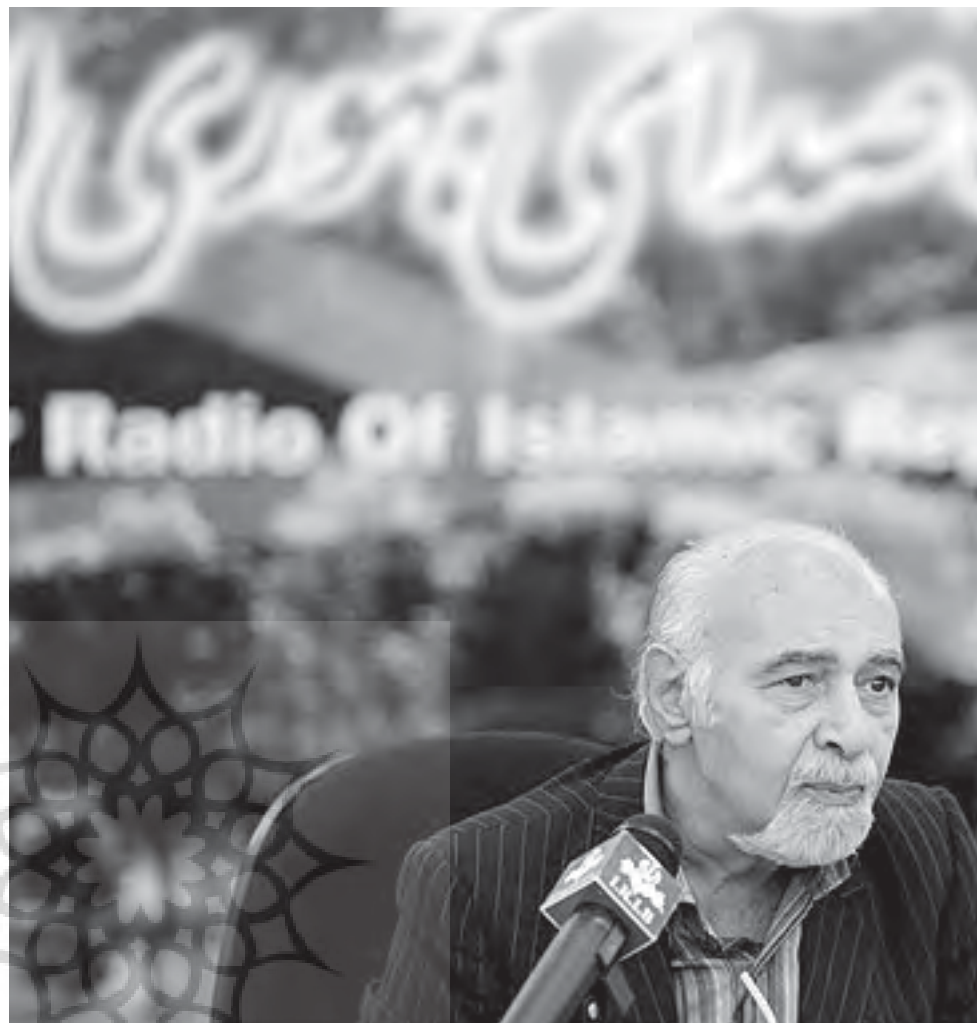
■ با توجه به اینکه صدای منحصربه فرد آنجا شده بودم، از برخورد مردم با خودم و برخوردهایشان احساس می کردم که مردم برنامه ها را گوش می کنند. مثلاً همان برنامه گفتنی ها بسیار مورد توجه بود.

### ● شما در چه سالی به تهران آمدید؟

■ یک سال ونیم در زاهدان بودم. بعد برای سربازی مجبور شدم به تهران بیایم. در فاصله رفتن به خدمت به رادیو نیروی هوایی رفتم.

### ● در چه سالی؟

■ حدود سال ۱۳۴۰ بود. رادیو نیروی هوایی تهران، رادیوی مخصوص نیروی هوایی بود. این رادیو از باشگاه نیروی هوایی واقعی در دوشان تپه پخش می شد. جای کوچکی بود و برنامه هایش اغلب به صورت زنده بود. گروهی آنجا را اداره می کردند. محسن فرید، محمد زهری و مهدی زهری در آنجا بودند. یک روز آگهی داده بودند که دویست- سیصد نفری در امتحان شرکت کردند.



### ● با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی سیستان و بلوچستان، در برنامه های رادیو زاهدان چه تلاش هایی برای همگرایی ملی می شد؟

■ محتوای برنامه ها، و آنچه می نوشتم یا اجرا می کردم، بیشتر در جهت مسائل فرهنگی و اجتماعی بود. برای فرهنگ سازی در منطقه بود تا از حالت قومیت و قومی گرایی بیرون آمده و مردم اجتماعی تر شوند. این را حس می کردم، اما سیاست اصلی را نمی دانستم.

### ● چه نکاتی در این فرهنگ سازی مورد توجه بود؟

■ یک تفکر وطن دوستی، ایرانی بودن و متعلق به یک سرزمین بودن را اشاعه می داد. حتی مطالبی را که من می نوشتم،

اجتماعی بود و مستجاب الدعوه خیلی خوب از عهده اجرای آن برمی آمد. گاهی در برنامه ها مانند یک هنرپیشه تیپ های مختلف می گرفت. مثلاً بعد از ظهر، یک نفر در خانه خوابیده بود. بعد دستفروش ها از کوچه رد می شدند. یکی سیب زمینی، یکی پیاز و یکی خربزه می فروخت. داد می زد و این خواب را بر آن فرد حرام می کرد. او این تیپ ها را اجرا می کرد و به صورت یک طنز و نقد اجتماعی مطرح می کرد. نوشته های این برنامه به مراکز استان ها فرستاده می شد. من سعی کردم از این متن ها استفاده کنم. آنها را با لهجه هایی مانند بیرجندی و زابلی که در زاهدان مرسوم بود، مخلوط می کردم. برنامه های شعر و ادبیات را هم دوست داشتم و از عهده اش برمی آمدم.

مطلب می‌دادند و در استودیو می‌خواندیم. بعد مثل یک مجری باید از خودمان حرف می‌زدیم. چون سابقه داشتیم، استودیو و میکروفن برایم تازگی نداشت. پس طبیعتاً از همه بهتر بودم و نفر اول شدم. کسان دیگری که قبول شدند و از همکارانم بودند، آقایان قربانی، سعیدنیا و عباسی بودند.

### ● هدف از ایجاد رادیو نیروی هوایی چه بود؟

■ سرگرمی و اطلاع اخبار ارتش و نیروی هوایی برای پرسنل بود. در بخش خبر، اطلاعاته‌هایشان را پخش می‌کردند. موسیقی را هم برای رفع خستگی پرسنل پخش می‌کردند.

### ● چه حوزه‌ای را دربر می‌گرفت؟

■ همه تهران را دربر می‌گرفت. شاید به کرج و شهرستان‌های اطراف تهران هم می‌رسید، ولی شنونده بسیار داشت.

### ● به چه دلیل؟

■ به خاطر نوع کاری که می‌کرد. به عنوان نمونه، برنامه‌های موسیقی محور داشتیم که بعضی روزها من اجرا می‌کردم. از برخی هنرمندان کارهایی پخش می‌کردیم. به عنوان مثال، آقای ناصر مسعودی، خواننده گیلانی، کارش از رادیو نیروی هوایی برای اولین بار پخش شد و بعد به رادیو ایران آمد.

### ● چه تفاوتی با رادیو ایران و رادیو تهران داشت؟

■ یک رادیوی محلی بود و حالت رسمی نداشت. گرچه گفتار و شیوه بیان و زبانی که به کار برده می‌شد، کاملاً رسمی بود.

### ● برنامه‌های رادیو نیروی هوایی تا چه سالی ادامه داشت؟

■ تا حدود سال ۱۳۵۰ ادامه داشت. سیاست آن موقع را دقیقاً نمی‌دانم، ولی گفتند دیگر نیازی به آن نیست. گاهی برنامه‌های رادیو ایران را می‌گرفت و گاهی جلوتر بود. شب‌ها یک برنامه‌ای به صورت داستان شب داشت که می‌تکر آن محسن فرید بود. او در کوچه ملی لاله‌زار یک دفتر داشت و با یک ضبط صوت معمولی با چندین صدا و تیپ به همراه

یکی دو تا خانم همکار، این قصه‌ها را ضبط می‌کرد. بعدها از این داستان‌ها، داستان‌های شهرزاد قصه‌گو در رادیو ایران اقتباس شد که قصه شب نام گرفت. علاوه بر این ظهرهای جمعه از ساعت یک تا یک‌ونیم نمایش رادیویی داشت. بعد از پنج شش ماه از فعالیتیم در رادیو نیروی هوایی، این بخش ظهرجمعه به من واگذار شد.

### ● مسئول این رادیو چه کسی بود؟

■ اوایل سرهنگ برنجیان بود.

### ● آیا رادیوی دیگری با ویژگی‌های رادیو نیروی هوایی وجود داشت؟

■ نه. فقط در رادیو ایران از ساعت ۷/۳۰ تا ۸ برنامه مخصوص ارتش بود. مجریان خاص خودش را داشت. برنامه‌ها در جایی دیگر ضبط و از رادیو ایران پخش می‌شد. صدای آقای محمد نوری برای اولین بار از این برنامه پخش شد.

### ● در چه سالی به رادیو ایران آمدید؟

■ بعد از خدمت و معافیت از آن به علت فوت پدرم، در اول اردیبهشت ۱۳۴۲ رسماً کارم را در رادیو ایران شروع کردم. آقای ناصر خدیار از گویندگان قدیمی رادیو با پسرعمه من که فرهنگی بود، آشنا بود. از طریق خدیار یک معرفی‌نامه گرفته و در رادیو تست دادم. مرحوم قرچه‌داغی، رئیس اداره برنامه‌ها و تهیه‌کننده برنامه دهقان، از من تست گرفت. بعد گفتند یک هفته بعد بیا و جوابش را بگیر. چهار پنج روز بعد نزد آقای قرچه‌داغی رفتم و نتیجه را پرسیدم. گفت: اصلاً یادمان رفت که نوار را گوش کنیم. بگذار الآن نوارت را با صدای بلند می‌گذارم که آقای تقی روحانی در اتاق بغل هم صدایت را بشنود. آقای سعادت و دیگران هم هستند. صدای مرا روی دستگاه گذاشت و چند لحظه بعد آقای روحانی با آن شخصیت و اتوریته و صدای مخصوص آمد و گفت: این صدای کیست؟ قرچه‌داغی گفت: صدای این جوان است. گفت: بارک‌الله، بارک‌الله. تو پسر، صدای خوبی داری و در رادیو ماندگار می‌شوی. برای رادیو ساخته شده‌ای.

### ● ورود شما به رادیو ایران، همزمان با مدیریت جهانگیر تفضلی بود؟

■ بله و این برای من خیلی خوب بود. برای اینکه یک نوع آزادی جوان‌پذیری و پذیرش صداهاى نو به وجود آمده بود. البته مقداری مشکلات هم به‌وجود آمده بود. تعداد گویندگان تازه‌وارد زیاد شده بود و در اصطلاح، صداها قاتی‌پاتی شده بود. صداهایی که صلاحیت کار نداشتند و هر کسی دست یک آشنایی را گرفته و آورده بود. بر این اساس تعداد گویندگان، بازیگران و نویسندگان زیاد شده بود. من هم از ۱۱/۴۵ و ۱۲ قبل از اذان ظهر اجرای برنامه رادیو در ۲۴ ساعت آینده را به اتفاق خانم مولود کنعانی، برعهده داشتیم. به خواندن شعر هم مسلط بودم و در ظرف یک ماه سه چهار مورد تقدیر و تشویق گرفتم.

### ● گویا در دوره جهانگیر تفضلی حضور نیروهای چپ در رادیو پررنگ شد؟

■ برخلاف آن سخت‌گیری‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد، چپ‌ها از طرق مختلف نفوذ کردند و با چهره عوض کردن ماندگار شدند. افرادی مانند مهدی قاسمی و فریدون گرکانی از آن نمونه بودند.

### ● شعر و موسیقی رادیو ایران چه ویژگی‌هایی داشت و چه نظارت‌هایی بر آن وجود داشت؟

■ شکل رسمی‌تر داشت. به عنوان مثال چهار نوع مهمانی را در نظر بگیرید. یکی کاملاً دوستانه، یکی خانوادگی، یکی فامیلی و دیگری اداری. سطح هر یک متفاوت است. برای پوشش، غذا و موسیقی ضوابط خاصی حاکم است. در رادیو زبانی که استفاده می‌کردیم، زبان رسمی بود. حوزه شعر و ادبیات که بیان کتابی دارد با حوزه محاوره که کلمات شکسته می‌شود، متفاوت است. با این همه، رادیو ایران برنامه‌ای با زبان غیررسمی به نام فرهنگ مردم داشت که مربوط به آداب و رسوم اصل چند هزار ساله ایرانیان بود. تهیه‌کننده برنامه، مرحوم انجوی شیرازی بود. او از کارکشتگان این

عرصه و از دوستان و شاگردان صادق هدایت بود. با جمال زاده هم دوستی و ارتباط داشت. عاشق فرهنگ مردم بود و عمری در این راه صرف کرد. من مدتی مجری این برنامه بودم. غیر از من خانم‌ها شکوه رضایی و سرور پاک‌نشان هم بودند.

### ● بعد از کنار گذاشتن جهانگیر تفضلی، باز نصرت‌الله معینان به رادیو بازگشت. در این دوره چه تحولاتی رخ داد؟

■ یادم هست روزی که آقای معینان برگشت، دیگر آن خیل گویندگان و هنرپیشگان تازه‌وارد به کلی نیامدند. اوضاع دوباره به همان نظم و دیسیپلین قبل که آقای معینان حاکم کرده بود، بازگشت. از آن جدیدی‌ها، تنها کسی که ماند، من بودم. البته کارهای مرا خیلی کم کردند و مدتی فقط در پخش، اعلام برنامه می‌کردم.

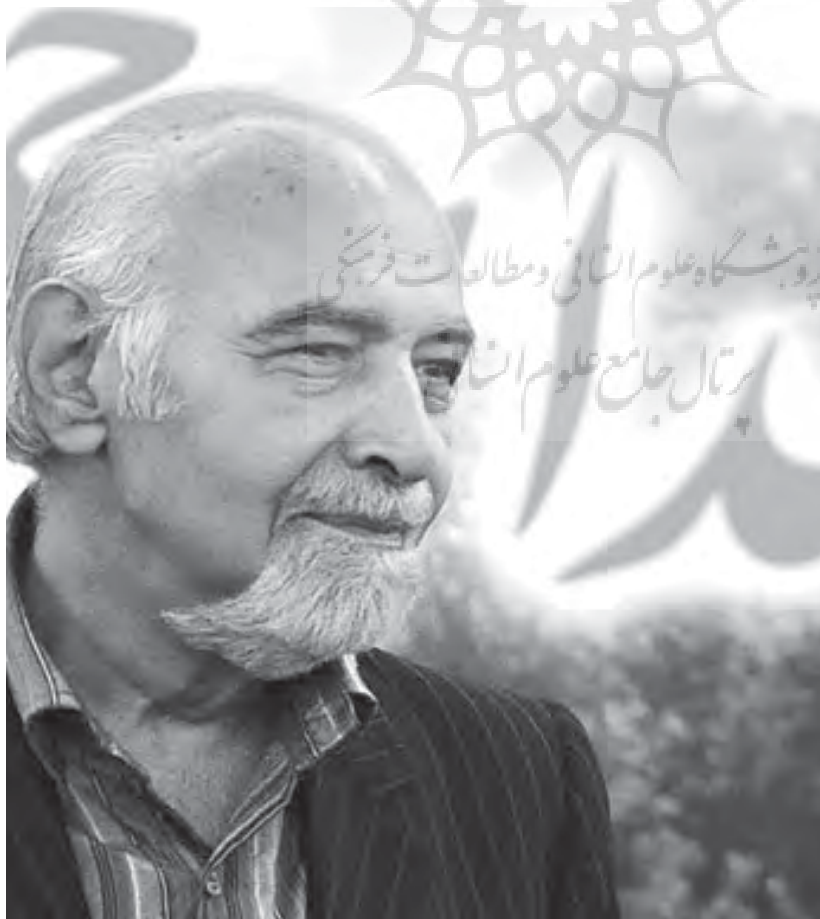
### ● معینان چگونه شخصیتی داشت؟

■ معینان در همه امور نظارت می‌کرد. در دوره معینان، شورای برنامه‌ها بود. ماهی یک بار نوارهای مختلف با صدای گوینده به‌طور اتفاقی از آرشیو که پخش شده بود، بیرون می‌آوردند و در شورا گوش کرده و نظر می‌دادند و نقد می‌کردند. یادم هست که یک روز صدای مرا گذاشته بودند. گویا خبری سه دقیقه‌ای یا متنی در برنامه **کاروان شعر و موسیقی** بود. داشتم قبض روح می‌شدم. بزرگان قوم مثل: نصرت‌الله معینان، تورج فرازمنند، مهدی قاسمی، عزیزالله حاتمی، مولود عاطفی، آذر پژوهش، ایراندخت پرتوی و فرح‌انگیز اردلان، هم در شورا بودند و نقد می‌کردند. مهم‌ترین عامل پیشرفت هر گوینده و یا نویسنده همین نقدهاست که اجازه می‌دهد کاری ادامه پیدا کند یا نه و یا صدایی برای برنامه‌ای مناسب هست یا خیر و گوینده‌ای پیشرفت داشته یا نداشته. اگر نداشت، کارش را می‌گرفتند و به او کار ضعیف‌تری می‌دادند. یا می‌گفتند پیشرفت خوبی داشته و کار بهتری به او می‌دادند.

### ● گویا بابت هر تیق، مبلغی از حقوق گوینده کم می‌شد؟

### مهم‌ترین عامل پیشرفت هر گوینده و یا نویسنده نقدهایی است که اجازه می‌دهد کاری ادامه پیدا کند یا نه، و یا صدایی برای برنامه‌ای مناسب هست یا خیر.

■ تیق خیلی مهم نبود. اگر تعدادش زیاد بود، اشکال داشت. غلط مهم بود مخصوصاً در خیر. برنامه‌های زنده تحت یک نظارت خیلی دقیق اداره می‌شد و از نظارت بیست سی استاد دانشگاه استفاده می‌شد که زیر نظر دکتر ضیاءالدین سجادی و قبلش زیر نظر سعید نفیسی آموزش می‌دیدند. زبان معیار، لحن و بیان را نظارت می‌کردند. در استودیو می‌رفتند و نحوه ضبط یک برنامه را مشاهده می‌کردند. می‌دانستند که کار تهیه‌کننده چیست، صدابرداری چیست، موسیقی چطور است؟ و ... برنامه‌ها را میان این استادان تقسیم می‌کردند و آنان ضمن گوش کردن، نقدی می‌نوشتند. برای برنامه، از کار نویسنده گرفته تا تهیه‌کننده، موسیقی، صدا و لحن گوینده، هماهنگی گوینده‌ها، اگر برنامه‌ای دو گوینده داشت، از موارد نظارت بود. این نقدها پیش مدیر رادیو می‌آمد. او نقدها را می‌خواند و از سطح برنامه‌ها مطلع می‌شد. اگر تعداد غلط‌ها زیاد بود، دستور



تجدید ضبط را می‌داد. همه عوامل باید دوباره جمع می‌شدند و به استودیو می‌رفتند. برنامه باید با توجه به نکات کنترل شده و نوشته‌شده در نقد، دوباره ضبط می‌شد. باز هم کنترل کننده گوش می‌کرد و با توجه به رفع غلطها، اجازه پخش می‌داد. ولی باز به این اکتفا نمی‌کردند. از رادیو هم تعدادی استاد گوش می‌کردند که این برنامه غلطی دارد یا نه. اگر غلطی داشت، از استادی که قبل از پخش گوش کرده بود، بازخواست می‌شد که این اشتباهات و غلطهایی را که پخش شده، مگر گوش نکرده‌اید؟ چطور متوجه نشده‌اید؟

### ● در مرحله بالاتر چه کسانی بودند؟

■ به عنوان مثال، دکتر تهامی استاد دانشگاه بود که خبرها را گوش می‌کرد. با دقت تمام گوش می‌کرد و گزارش می‌نوشت. گوینده اگر اشتباه خوانده بود، جریمه می‌شد. اگر در متن خبر، اشتباهی بود و گوینده آن را اصلاح کرده بود، تشویق می‌شد. میزان تشویق بیشتر از تنبیه بود. البته به گوینده‌های خبر حقوق اضافه می‌دادند، چون در معرض استرس و اضطراب بودند و باید توانایی و تفکرشان را بالا می‌بردند.

### ● چه نظارتی بر شعرخوانی وجود



شنونده به رسمی بودن زبان بسیار حساس است و اصلاً انتظاری ندارد که گوینده صدای رسمی غلط بخواند. فکر می‌کند این تفکر، اصلی است. همیشه فکر می‌کند که گوینده مسئول همه برنامه است. مسئول کار نویسنده است؛ چون گوینده، ویتترین برنامه است.

### داشت؟

■ من گوینده برنامه **کاروان شعر و موسیقی** بودم. تهیه‌کنندگان مختلفی داشت. نویسنده‌اش یا تدوین‌کننده‌اش آقای مهدی سهیلی بود. بعد آقای پژمان بختیاری سر ضبط برنامه می‌آمدند. گاهی خود مهدی سهیلی در استودیو سر ضبط می‌آمد. کنترل‌کننده برنامه هم آقای مهدی اخوان ثالث بود. گاهی هم دکتر هروی، استاد دانشگاه و حافظ‌شناس می‌آمد. من سعی می‌کردم حتماً موقع کنترل و نظارت بر برنامه، کنار دست کنترل‌کننده باشم. او مثلاً توضیح می‌داد که اینجا را این‌طوری خواندی و این مفهوم را خیلی خوب منتقل نمی‌کند. این باید این‌طوری خوانده شود. تکیه کلامت باید اینگونه باشد. اینجا را بسیار بد ادا کردی یا این شعر باید حذف و تجدید ضبط شود.

### ● برنامه گل‌ها چطور؟ با آن هم همکاری داشتید؟

■ چند تا برنامه همکاری کردم. پیرنیا سلیقه خاصی در خواندن شعر داشت. نحوه اجرای شعر یک امر کاملاً شخصی بود. با همه احترامی که برای او قائل بودم، در خواندن شعر هم سلیقه نبودیم. ایشان سعی می‌کرد یا می‌خواست مجبور بکند که اینگونه شعر بخواند و من که خودم صاحب سبک شده بودم، نمی‌خواستم آنگونه بخوانم.

### ● آن نظارتی که بر برنامه‌های دیگر وجود داشت، در این برنامه وجود نداشت؟

■ نه، آقای پیرنیا براساس توانایی‌های خودش مستقل بود. اول اینکه موسیقی را چندین آهنگساز و استاد موسیقی گوش می‌دادند و ضبط می‌کردند. بعد نحوه ترکیب شعر و موسیقی به سلیقه خود آقای پیرنیا بود. بعضی مواقع دکتر نیرسینا که مسئول شعر و ترانه‌های مختلف بود، آهنگ‌ها و موسیقی‌ها را گوش می‌کرد.

### ● موسیقی رادیو تهران به چه صورت بود؟

■ **رادیو تهران** با این هدف به وجود آمده

بود که برنامه‌هایی برای قشر فرهیخته، باسواد، دانشگاهی و با فرهنگ بالا پخش کند. شاید قدرت نویسنده **رادیو تهران** به اندازه **رادیو ایران** نبود. همه جای ایران شنیده نمی‌شد، ولی برنامه‌هایش از سطح عادی بالاتر بود. ادبیات جهان داشت که عبدالله توکل، فضل‌الله توکل، قاسم صنعوی و رضا سیدحسینی مترجمان و نویسندگان آن بودند. شعر، بیشتر شعر نیمایی بود. شاعرانی مثل یدالله رویایی، سهراب سپهری، فروغ فرخزاد و مهدی اخوان ثالث شعرهایشان خوانده و نظراتشان پرسیده می‌شد. مسئول و کنترل‌کننده **رادیو تهران** در مدتی آقای احمد سروش بود؛ کسی که آثار اقبال لاهوری را برای اولین بار ترجمه و به ایران معرفی کرد.

### ● به غیر از آقای سروش چه کسان دیگری در رادیو تهران مدیر بودند؟

■ آقای غروری بود. مدتی مهدی اخوان ثالث بود.

### ● و موسیقی آن؟

■ موسیقی **رادیو تهران**، بیشتر موسیقی کلاسیک بود. موسیقی کلاسیک غربی از سمفونی‌های مختلف و موسیقی اصیل ایرانی هم بود. ترانه‌های کوچه‌بازاری هیچ‌وقت پخش نمی‌شد.

### ● بعدها از این نوع موسیقی هم پخش شد؟

■ بعضی مواقع به مناسب‌هایی پخش می‌شد. اما بعضی صداها مثل صدای خواننده‌های کافه‌ها پخش نمی‌شد. اما در برنامه بخت‌آزمایی یا برنامه‌هایی که مخصوص ارتباط با مردم بود، از این خواننده‌ها دعوت می‌شد. برنامه **صبح جمعه با شما** هم گاهی از این نوع موسیقی پخش می‌کرد. چون برنامه‌ای آزاد بود و از آن حالت رسمی بیرون می‌آمد. واژه‌های مخفی مثل «خفن» و «تو رگش می‌زنه» همیشه وجود داشت، اما در برنامه‌های رسمی استفاده نمی‌شد. اینها ارزش رسمی بودن فرهنگ را به هم می‌ریزد. مثلاً در صبح جمعه با شما یا شما و رادیو، مرحوم علی تابش یک تیپ داشت به

نام غلط‌انداز. این تیپ را حسین خطیبی یا حسین مدنی می‌نوشت. یک جاهلی بود که خیلی عشق حرف‌زدن داشت و تمام کلمات را اشتباه و قاتی‌پاتی حرف می‌زد. مثلاً: عزز می‌خواهم، از دیفال می‌رفت بالا، خودش را پلت می‌کرد تو استلخ. پیدا بود دارد یک تیپ اجتماعی را مطرح می‌کند، نه یک شخصیت رسمی را. این با گوینده فرق می‌کند. چون این صدای رسمی رادیوست. شنونده نسبت به این رسمی بودن بسیار حساس است و اصلاً انتظاری ندارد که گوینده صدای رسمی غلط بخواند. فکر می‌کند این تفکر، اصلی است. همیشه فکر می‌کند که گوینده مسئول همه برنامه است. مسئول کار نویسنده است؛ چون گوینده، ویتترین برنامه است.

### ● یعنی در برنامه‌ها، از زبان محاوره استفاده نمی‌شود؟

■ چرا، در برنامه‌های اجتماعی مثل برنامه خانواده، برنامه کارگران و برنامه دهقان از زبان محاوره استفاده می‌شود.

### ● این برنامه‌ها در راستای انقلاب سفید بود؟

■ طبیعتاً بله. آرم برنامه این بود: به دهقان آزاده از ما درود

به گیتی در خرّمی او گشود  
یادم هست حتی بعد از ادغام رادیو و تلویزیون گروه‌هایی را تعیین کردند که به مراکز استان‌ها بروند و از پیشرفت‌های مملکتی گزارش تهیه کنند. مرحوم انجوی شیرازی که مسلط بر فرهنگ استان فارس و شیراز بودند، مرا به عنوان گوینده انتخاب کرده و به همراه آقای خسرو برونش به شیراز رفتیم. یک هفته‌ای شیراز بودیم. از دانشگاه، از شرکت‌های صنعتی، از شرکت‌های عشایری و کشاورزی گزارش تهیه می‌کردیم و برای پخش به تهران می‌فرستادیم. بچه‌های دیگر به مراکز دیگری رفته بودند. یادم هست که یک شب بعد از اینکه از یک مهمانی که دوستان آقای انجوی ترتیب داده بودند، آمدیم، انجوی خیلی دوست داشت قدم بزند. من هم جوان بودم و مشتاق. از خاطراتش تعریف می‌کرد. یادم هست ضمن

حرف‌هایش به من گفت: امیر، خبر را ول کن. تو می‌توانی فقط شعر و فرهنگ و ادبیات اجرا کنی. این زبان فرهنگ و ادبیات مردم بودن ارزشش بیشتر است تا فقط خبر بخوانی. این در ذهنم بود تا با جداشدن گویندگان خبر روی خبر دوام نیاوردم و استعفا دادم و به برنامه‌های تولیدی آمدم، مثل برنامه فرهنگ مردم و کاروان شعر و موسیقی و ...

### ● مگر قبلاً این تمایز وجود نداشت؟

■ نه. اگر کسی به عنوان گوینده، این توانایی را از خودش نشان می‌داد که هم گوینده و هم مجری باشد، تا قبل از ادغام رادیو و تلویزیون هم خبر می‌خواند و هم کارهای دیگر می‌کرد. حتی در بعضی برنامه‌ها گزارش تهیه می‌کرد. من هم برنامه کاروان شعر و موسیقی را داشتم، هم برنامه‌های ادبیات جهان، هم برنامه‌های عرفانی و برنامه فرهنگ مردم و هم خبر می‌خواندم. از گوینده‌های دیگر مرحوم سلطانی، و از خانم‌ها، آذر پژوهش، فیروزه امیرمعز و شکوه رضایی اینگونه بودند. این گوینده‌ها کارهای مختلف انجام می‌دادند. در برنامه‌های اجتماعی مجری می‌شدند و در برنامه‌های رسمی هم گوینده بودند. بعد از ادغام رادیو و تلویزیون، به گویندگان خبر گفتند فقط خبر بخوانند. گویندگان خبر را از گویندگان برنامه‌های تولیدی جدا کردند. من هم حدود یک سال و نیم فقط خبر خواندم. مسئول خبر صبح بودم. ساعات ۶، ۷ و ۸ مشروح خبر بود که گویندگانی مانند خانم‌ها شکوه رضایی، تاج‌نیا و پرتوی بودند. خبر ساعات ۹ و ۱۰ را هم خودم می‌خواندم. کار دیگری تا فردا صبح نداشتم. گویندگان خبر نیمروزی و شب متفاوت بودند.

### ● از حضور صمیمانه شما در این گفت‌وگو سپاسگزارم.